۱۸ - حقيقت الوهيّت بتمام معانی ادراکش در حوصله انسانی…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۱۸ - حقيقت الوهيّت بتمام معانی ادراکش در حوصله انسانی نگنجد

حقيقت الوهيّت بتمام معانی ادراکش در حوصله انسانی نگنجد. زيرا آنچه نتائج عقول و افکار است محدود است و حقيقت الوهيّت نا محدود آنچه واضح و آشکار است آيات باهره اوست که عالم کون را متحرّک نموده. امّا حقيقت الوهيّت مقدّس و منزّه از ادراک جميع کائنات است حقيقت حادثه چگونه ادراک حقيقت قديمه نمايد اين ممتنع و مستحيل است. کائنات جماديّه و کائنات نباتيّه از عالم انسان و حيوان بی خبرند ابداً تصوّر آنرا نتوانند. آيا ممکن است که جماد و نبات حقيقت سمع و بصر را ادراک نمايد؟ استغفر الله و حال آنکه کلّ در حيّز حدوث هستند. پس چگونه کائن حادث حقيقت قديمه را ادراک نمايد نهايت اينست که انسان ادراک آيات و آثار الهی کند… حقائق انبياء عليهم السّلام حقيقت شاخصه الوهيّت نيست بلکه حقيقت الوهيّت مانند آفتاب و حقائق انبياء نظير مرايا، شعاع و حرارت آفتاب در اين مرايا ساطع و لائح ولی آفتاب در ذروه تقديس خويش باقی و بر قرار، نه تنزّلی و نه حلولی و دخولی حقيقت الوهيّت هميشه مقدّس از تجسّم بوده و هست پس بر آن جناب واضح و مبرهن شد و شبهات را مجال نماند.

و امّا توجّه، چون حقيقت الوهيّت بفکر و فهم در نيايد تا توجّه بآن نمائيم و هر حقيقتی که تصوّر آن نمائيم و توجّه بآن کنيم محدود است و الوهيّت نا محدود بلکه تصوّرات اوهام محض است لهذا بجهت خلاصی از اوهام فکريّه توجّه به آئينه ای مينمائی که از فيوضات آفتاب روشن و منوّر است زيرا نظر در آفتاب چشم را خيره کند بلکه بتصوّر نيايد. آيا ممکن است از برای انسان وصول بآفتاب، اين واضح است که مستحيل و ممتنع است و لکن وصول به مرايا ممکن. انسان عاقل نميکوشد تا بآفتاب برسد بلکه انوار فيوضات آفتاب را در مرايا مشاهده کند و بآن متّصل شود.

و امّا قضيّهٔ استقلاليّت نفوس در استفاضه از شمس حقيقت، اين واضح است که عموم بشر محتاج تربيت است با وجود احتياج بتربيت استقلاليّت چگونه تصوّر ميشود. آيا ممکن است فردی از افراد بشر جميع کمالات عالم انسانی را بنفسه بدون مربّی تحصيل نمايد؟ پس استقلاليّت ممکن نه. بلی انسان با وجود تعلّم و استفاضه از ديگری خود نيز احساسات و ادراکاتی دارد، خود نيز ميتواند که کشفی جديد نمايد و لکن از مربّی و معلّم مستغنی نميتواند بشود اينست حقيقت واقع. درست تعمقّ در اين مسئله نما ملاحظه مينمائی که هيچ شبهه باقی نماند.

و امّا عصمت، ممکن است که انسان در صون حمايت الهيّه باشد خدا او را از خطا حفظ فرمايد مثلاً قمر بذاته نوری ندارد ولی اقتباس نور از آفتاب ميکند عصمت عالم انسانی اينست طبيب حاذق انسان را از هر مرضی محافظه ميکند. باری الحمد للّه بتعاليم الهيّه خدمت مينمائی و هر چه بيشتر خدمت کنی شبهات زائل و حقيقت ساطعه واضح و لائح گردد.

